

## The Principles of Social Satire in the Holy Qur'an

Seyed Mohammadreza Hoseinia<sup>1</sup>

Mehdi Mahmoudi<sup>2</sup>

Ruhollah Mottaghinik<sup>3</sup>

### ABSTRACT

Criticism through humor and satire is one of the most significant ways of conveying the message to the addressee, and because it is accompanied by joy and laughter, it can convey the deepest intentions of the addresser in simple terms and easily influence the feelings and emotions of the addressee, in a way that it is not possible in ordinary speech to be realized. This research aims to achieve the Qur'anic principles of social satire based on the comprehensive system of teachings of the Holy Qur'an as the perfect divine undistortionable book. The question of the research is: What are the principles upon which the Holy Qur'an is based in order to introduce acceptable and correct social satire? This research uses qualitative content analysis with inductive approach and descriptive-analytical method in achieving the abovementioned principles. The results of the current research show that, based on Qur'anic teachings, the orientation of the Qur'anic principles of social satire is not one-dimensional and one-sighted, but rather has a purposeful and comprehensive approach, in the dual realm of material and spiritual life, and it is set on the basis of unchangeable human nature (Fitrat) in the context of the divine devotion towards the goal of man's perfection (closeness to God), and eventually, principles such as "reformation of the individual and society, centrality of dual-dimensional content, preservation of human dignity, and realism" have been deduced from the verses of the Holy Qur'an.

**KEYWORDS:** Satire, The Qur'an and Satire, Social Satire, Principles of Satire, Acceptable Satire

1- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran, m.hoseinia@ilam.ac.ir

2- Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Ilam University, Ilam, Iran (corresponding author), Mahdim95@yahoo.com

3- Master's degree in jurisprudence and fundamentals of Islamic law, Islamic Azad University, Qom, Iran, motaghinik@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

20.1001.1.27833542.1403.4.1.4.5

10.22034/arq.2024.196977

نوع مقاله: پژوهشی

## اصول طنز اجتماعی در قرآن کریم

سید محمدرضا حسینی نیا<sup>۱</sup>

مهدی محمودی<sup>۲</sup>

روح الله متقی نیک<sup>۳</sup>

### چکیده

نقد به وسیله طنز، از مهم‌ترین شیوه‌های انتقال پیام به مخاطب است و به آن دلیل که این امر با نشاط و خندیدن همراه است، می‌تواند عمیق‌ترین مرادهای مخاطب را در عبارتهایی آسان انتقال دهد و به سهولت، احساسات و عواطف مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که در کلام عادی، امکان آن وجود ندارد. دستیابی به اصول قرآنی طنز اجتماعی مبتنی بر نظام جامع آموزه‌های قرآن کریم به‌عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی مصون از تحریف، هدف اصلی این نوشتار است. اکنون این سؤال مطرح است که قرآن کریم در راستای معرفی طنز اجتماعی مقبول و صحیح، کدام اصول را معرفی می‌کند؟ این پژوهش از نوع بنیادی و روش پژوهش در دستیابی به اصول یادشده، از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی و توصیف و تحلیل بهره می‌برد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، جهت‌گیری اصول قرآنی طنز اجتماعی، تک‌بعدی و یک‌جانبه‌نگری نیست بلکه با رویکردی معناگرا و جامع، در

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، m.hoseinia@ilam.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)، Mahdim95@yahoo.com

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، motaghinik@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



ساحت دوگانه زیست مادی و معنوی و در بستر سیر عبودیت الهی به سمت غایت رشد آن (قرب الهی) مبتنی بر فطرت و سرشت لایتغیر انسانی، سامان می‌یابد که در نتیجه آن، اصولی همچون «اصلاح گری فرد و اجتماع، عقلانیت محوری، دو ساحتی محوری در محتوا، حفظ کرامت انسانی و واقع گرایی» از آیات قرآن استنباط گردیده است.

**واژگان کلیدی:** طنز، قرآن و طنز، طنز اجتماعی، اصول طنز، طنز مطلوب

## ۱. مقدمه

طنز یکی از شیوه‌های انتقال پیام است که امروزه بسیار مورد استقبال و توجه قرار گرفته است؛ زیرا شیوه طنز شیوه‌ای است که با بیان خنده و نشاط آور، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین پیام‌ها را به مخاطب می‌رساند و جامعه را مورد نقد قرار می‌دهد؛ از این رو طنز از طریق مزاح و لطیفه و ایجاد خنده و نشاط به راحتی در احساسات و عواطف مخاطب تأثیر می‌گذارد و پیام خود را با ظرافت و لطافت در عمق جان وی می‌نشانند (نجفی، ۱۳۹۶: ۵۸).

واژه «طنز» واژه‌ای جدید است که در زبان عربی کهن به آن به ندرت پرداخته شده است و به مفهوم «مسخره کردن و استهزاء» آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۵: ۳۶۹). در فرهنگ لاروس نیز طنز به مفهوم ریشخند کردن و سخنی را گفتن که باعث هیجان شود گفته شده است (جر، ۱۳۹۱، ۲: ذیل واژه طنز).

واژه طنز در زبان فارسی به معانی مختلفی آمده است: فکاهی، ریشخند و مسخره کردن، هزل، سرزنش، ناز و کرشمه (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه طنز و معین، ۱۳۷۵، ذیل واژه طنز) معادل این واژه در زبان انگلیسی واژه «satire» به معانی شعر (داستان و غیره) هجو آمیز، هجو نویسی، سخریه و هزلیات است (فرهنگ آکسفورد، بی‌تا، ذیل واژه satire). این واژه در قرآن کریم نیامده است؛ اما معنای نزدیک به آن یعنی «استهزاء» به معنای مسخره کردن، شوخی و مزاح

در لفافه و پنهانی (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ۱: ۱۸۳، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۸۴۱) در موارد متعدد و در آیات مختلف آمده است (توبه: ۶۵؛ هود: ۸؛ حجر: ۱۱). در رابطه با مفهوم اصطلاحی طنز به فراوانی سخن رفته است از جمله: تقلید و محاکاتی از اطوار و اخلاق زشت و اطوار شرم‌آور (حری، ۱۳۸۷: ۳۹)، بیان به ظاهر غیر جدی بر مبنای لطیفه و مزاح (حیدری، ۱۳۷۷: ۱۱۸) سبک و نوعی از ادبیات انتقادی همراه با شوخ‌طبعی با هدف محکوم کردن زشتی‌ها و تشویق خوبی‌ها (حیدری، ۱۳۷۷: ۱۱۸، شوقی نویر، ۱۳۷۱: ۱۱۵).

ملویل کلارک جهان طنز را روی یک بیضی به دور دو کانون، یعنی افشای بلاهت و تبییه رذالت، در نوسان می‌داند و ابراز می‌کند طنز مقولات شوخی و جدی، مبتذل و آموزنده را در برمی‌گیرد، دامنه‌اش از نهایت شقاوت و خشونت تا غایت شکوه و ظرافت است (پلارد، ۱۳۸۳: ۵).

آرین‌پور در تعریف طنز می‌نویسد: «در فارسی طنز اصطلاح شده، عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن تصویری هجوآمیز از جهات زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر و بدتر از آنچه هست نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی و معمول، آشکار گردد» (آرین‌پور، ۱۳۷۲، ۲: ۳۶). برخی دانشمندان اسلامی نیز تعاریفی از طنز ارائه داده‌اند، از جمله علامه محمدتقی جعفری در تعریف سخن طنز می‌نویسد: سخنی که با استفاده از استعاره و مبالغه و مجاز، با ظاهری مقبول و آراسته و گاه نه فقط مقبول بلکه خوشایند که جنبه لطیفه دارد؛ (به گونه‌ای که) غیر آن کسی که مورد نظر طنز است، دیگران از آن لذت ببرند (گروه معارف مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۱: ۱۰۴). آیت‌الله محمدهادی معرفت نیز در تعریف طنز می‌گوید: طنز یک نوع کنایه به شمار می‌رود و ماهیتاً همان کنایه است؛ یعنی مطلبی را در لفافه و کنایه‌وار و با تشبیه ارائه می‌دهند (مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۱: ۱۲۶). با توجه به آنچه گفته شد، طنز اجتماعی را این گونه تعریف می‌کنیم: طنز اجتماعی بیانی است انتقادآمیز نسبت به نقایص جامعه به

امید اصلاح معایب که موجبات رشد فکری و عملی جامعه را در بستر عنصری به نام «خنده و شوخ طبعی» فراهم می‌آورد.

شوخ طبعی و طنز در دین اسلام و سبک زندگی ائمه (ع) نیز جایگاه ویژه‌ای داشته است. در مصادر شیعه روایتی از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود:

«إِنِّي لَأَمْزُحُ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا»؛ من شوخی می‌کنم؛ ولی جز سخن حق نمی‌گویم (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۶: ۲۹۸) همچنین امام علی (ع) در ضرورت گشاده‌رویی می‌فرماید: «بُشْرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»؛ شادی و گشادگی مؤمن در چهره او [آشکارا] و غمش در دل او [مخفی] است (التمیمی الآمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۱۴).

علاوه بر این آیات متعددی با اقسام مختلف شیوه‌های طنز به بیان معارف پرداخته شده است که در این تحقیق به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته خواهد شد. آنچه انجام این پژوهش را بااهمیت و ضروری می‌کند، رواج و ارائه شیوه نادرست از طنز مانند تمسخر، توهین، غیبت و حتی اهانت به اعتقادات با هدف سرگرمی و ایجاد نشاط کاذب در جامعه است. باینکه هدف طنز را می‌توان عبارت از آگاهی بخشی، تعالی نگری، درمان‌جویی و غبار ستانی و در نتیجه، اصلاح امور جامعه دانست (مروتی، ۱۳۷۷: ۱۸۱).

باین وجود در حوزه معارف قرآن و حدیث به زوایای این مسئله خصوصاً از منظر قرآن کریم به خوبی پرداخته نشده و کنکاش علمی و بنیادی‌تر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. براین اساس در این تحقیق تلاش شده است تا با کاوشی روشمند، منسجم و علمی مبتنی بر نظام آموزه‌های قرآنی، ابعاد مسئله پژوهش را با رویکرد قرآن‌شناسی از نظر قطعیت صدور و دلالت‌های اطمینان آور، در پاسخ به این پرسش تبیین و تحلیل نماید: مهم‌ترین اصول و شاخص‌های طنز اجتماعی اصیل از منظر و نگاه قرآن کریم کدام‌اند؟ در این راستا به گردآوری نمونه‌های آیات بر اساس شیوه‌های مطرح در رابطه با آیات طنزآمیز قرآن کریم (مانند تهکم، تمثیل، تشبیه، کنایه) پرداخته خواهد شد (ر.ک: صابونی، ۲۰۰۷ م؛ حلبی، ۱۳۶۴: ۶۲ - ۹۶) و دسته‌ای از اصول در مقوله طنز اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم بیان می‌گردد که بر اساس آن می‌توان شیوه طنزپردازی قرآنی را پردازش نمود.

## ۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با طنز مقالات و پژوهش‌های متعددی نوشته شده است؛ اما به صورت علمی و از دیدگاه اسلامی و قرآنی، مبحثی نو و نیازمند بررسی و تحقیق است. مقاله‌ای تحت عنوان «طنز در قرآن کریم» توسط سهراب مروتی و قدرت الله ذوالفقاری فر، نگاشته شده است که ضمن بیان تعریف دقیقی از طنز، بحث اصلی مقاله به بیان نظرات بزرگان در رابطه با طنز همراه با مثال‌هایی از آیات پرداخته است (مروتی، ۱۳۹۲). همچنین آقای محمدجواد حیدری مقاله‌ای با عنوان «طنز در قرآن کریم» نگاشته است که به اقسام طنز (تفسیری و تمثیلی)، ویژگی‌های طنز قرآنی و نمونه‌های کوتاه از طنزهای قرآنی پرداخته است (حیدری، ۱۳۷۹).

کتابی با عنوان «نمایی از طنز دینی» اثر ولی الله عظیمی به چاپ رسیده است که با نگاهی انتقادی به طنز موجود در صداوسیما با معیار و شاخص‌های دینی و قرآنی پرداخته است، این اثر به مقوله طنز دینی، اهداف، آثار، موضوع، محتوا و ابزار طنز و نگاه نقادانه به برنامه‌سازان طنز به این مقوله پرداخته است (عظیمی، ۱۳۸۳). ضمن ارج نهادن تلاش‌های علمی صورت گرفته در این رابطه به نظر می‌رسد همچنان این موضوع از منظر قرآن نیازمند تحقیق و مطالعات بنیادی‌تر باشد. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های انجام گرفته در دو زمینه است؛ یکی بحث روش پژوهش است که با روشی منطقی، آیات متناظر با بحث گردآوری و دسته‌بندی گردید و در نهایت با تجزیه و تحلیل مفاهیم آن آیات، به اصول مذکور دست پیدا کردیم و تمایز دوم، اینکه در این پژوهش برخلاف پژوهش‌های گذشته، به استخراج اصول طنز اجتماعی با نگرش قرآنی پرداخته شده است، درحالی که در پژوهش‌های گذشته نهایتاً به بیان مثال‌هایی در این رابطه بسنده شده است؛ به‌طور مثال در مقاله با عنوان «طنز در قرآن کریم» تألیف آقایان سهراب مروتی و قدرت الله ذوالفقاری فر که ارتباط موضوعی بیشتری نسبت به سایر پژوهش‌ها دارد، نویسندگان محترم مقاله، با ارائه نظر بزرگان در رابطه با طنز، مطالبی را در خصوص طنز بیان فرموده‌اند و در ضمن آن تنها به مثال‌هایی از آیات پرداخته‌اند. درحالی که پژوهش حاضر با توجه به هدف و روش خاص آن، یک قدم به جلو محسوب شده و از آیات قرآن کریم، «اصول طنز اجتماعی با نگرش قرآنی» استخراج گردیده است.

### ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش پژوهش در دستيابي به اصول يادشده، از تحليل محتوای کيفی با رويکرد استقرایي و توصيف و تحليل بهره می‌برد. تحليل محتوای کيفی را می‌توان روش تحقيقي برای تفسير ذهني محتوای داده‌های متني از طريق فرآیندهای طبقه‌بندي نظام‌مند، کدبندي و تم سازی یا طراحی الگوی شناخته‌شده دانست (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰) از طرفی می‌توان رويکردهای تحليل محتوا را نیز به سه دسته (تحليل محتوای عرفی و قراردادی (رويکرد استقرایي)، تحليل محتوای جهت‌دار (رويکرد قیاسی) و تحليل محتوای تلخیصی یا تجمعی (رويکرد واژگان کلیدی) تقسیم کرد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲) بر این اساس در پژوهش پيش‌رو، با توجه به نوبودن مسئله تحقيقي و این که تاکنون در این زمینه، تحقيقي جامع‌ومانعی انجام نگرفته است تا به دنبال آن نظریه‌ای برای استفاده از رويکرد قیاسی ارائه‌شده باشد، همچنین با توجه به پیچیدگی معنایی واژگان طنز اجتماعی از دیدگاه اسلام، نمی‌توان معادل‌یابی صریح و مستقیمی از نظام واژگان قرآنی برای آن‌ها ارائه داد تا به واسطه آن بتوان از رويکرد تلخیصی در این پژوهش بهره برد؛ از این رو به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین رويکرد، روش تحليل محتوای کيفی در پژوهش حاضر، رويکرد عرفی (استقرایي) است تا محقق با بهره بردن از این روش، گام‌به‌گام و بدون هیچ گونه جهت‌گیری اندیشه‌ای و نظریه‌ای با عرضه پرسش اصلی پژوهش به آیات قرآن کریم، نتایج لازم را به دست آورد. بر این اساس همان‌طور که خواهد آمد، این پژوهش با تحليل شیوه‌های مختلف طنزپردازی در آیات قرآن کریم (تهگم، تمثيل، تشبیه، کنایه) و همچنین بهره بردن از روش تحليل محتوای کيفی با رويکرد استقرایي، با طی نمودن فرایندی سه‌مرحله‌ای شامل: گردآوری داده‌ها (آیات)، استنباط مفاهیم و مقوله‌بندي و سپس تبیین اصول طنز اجتماعی مبتنی بر قرآن، انجام گرفته است.

### ۴. یافته‌های پژوهش

پس از طرح مفهوم واژگان، در این مبحث به مهم‌ترین اصول طنز اجتماعی با توجه به آیات قرآن کریم پرداخته می‌شود. در این راستا همان‌طور که گفته شد، با مدنظر قرار دادن شیوه‌های مختلف طنزپردازی در آیات (تهگم، تمثيل،

تشبیه، کنایه) و همچنین بهره بردن از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی، به دنبال فرایندی سه‌مرحله‌ای شامل: گردآوری داده‌ها (آیات)، استنباط مفاهیم و مقوله‌بندی و سپس تبیین اصول طنز اجتماعی مبتنی بر قرآن به‌دست‌آمده، صورت گرفته است؛ از این رو در این مبحث به دودسته از آیات استناد شده است:

دسته اول آیات متناظری هستند که ظاهراً از شیوه‌های طنز در آن‌ها به کار نرفته است؛ اما به دلیل مفاهیم عام آن‌ها و مطابقت آن آیات با اصول طنز اجتماعی قرآن بنیان به آن‌ها استناد صورت گرفته است. دو اصل «هدف‌داری و تعالی محوری در طنز» و «هویت‌گرایی در طنز» را می‌توان در این دسته از آیات قرار داد.

دسته دوم آیاتی است که در آن‌ها به یکی از شیوه‌هایی طنز سخن گفته شده است: اگرچه در قرآن کریم واژه «طنز» و مشتقات آن به کار نرفته است؛ اما بررسی آیات متعدد نشان می‌دهد که قرآن کریم همچون سایر شیوه‌های ارتباطی، از زبان طنز نیز استفاده نموده است (در ادامه به این آیات پرداخته خواهد شد). چنانچه برخی بزرگان همچون محمدهادی معرفت، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله سید کاظم حائری شیرازی، سید حسین شمس و علامه محمدتقی جعفری و آل اسحاق علاوه بر اعتراف به استفاده قرآن از زبان طنز در ارائه مفاهیم، همانند سایر شیوه‌های ارتباطی (مصاحبه، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۴۳ و ۱۴۴) به استفاده قرآن از شیوه‌های رایج طنزپردازی همچون استعاره، کنایه، تشبیه و تنظیر نیز اذعان نموده‌اند (مصاحبه، مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۸۱: ۱۰۲، ۱۲۸ و ۱۵۸).  
 باین حال با جستجو در منابع علمی، به شیوه‌های مختلف طنز - که بسیاری از آن‌ها متعارض با آموزه‌های قرآنی و روایی نیز هست - برخورد می‌کنیم؛ از جمله تحقیر، تشبیه به حیوانات، فکاهی، عتاب، الفاظ، تمسخر، لعب، لمز و ... (حلبی، ۱۳۶۴: ۶۲ تا ۹۶، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۸ و ...). محمدعلی صابونی نیز در کتاب *الإبداع البياني في القرآن العظيم* با هدف بیان اعجاز بیانی قرآن، به نمونه‌های متعدد آیات طنز با شیوه‌هایی مشتمل بر تمامی بدایع چون استعاره،

تشبیه، کنایه، مجاز و امثال پرداخته است (صابونی، ۲۰۰۷ م: ۹۶، ۱۰۴، ۲۳۵، ۳۵۰، ۳۷۹ و ...): از این رو در این دسته، به آیاتی که به انحاء مختلف از زبان طنز برای القای پیام استفاده شده، پرداخته می‌شود و اصول طنز اجتماعی را از این آیات استخراج خواهیم نمود. بر این اساس، مهم‌ترین اصولی که از این دسته از آیات استنباط می‌گردد عبارت‌اند از: «اصل اصلاح‌گری فرد و اجتماع در طنز»، «اصل عقلانیت محوری در طنز»، «اصل دو ساحتی محوری»، «اصل حفظ کرامت و عزت محوری در طنز» و «اصل واقع‌گرایی در طنز» اشاره کرد. در جدول زیر، نمایی کلی از این بخش قابل مشاهده است:

شبهه‌های طنز	داده‌ها (آیات)	مفاهیم استنباطی از آیات	اصول طنز اجتماعی قرآن بنیان
آیات غیر طنز متناظر	مؤمنون، ۳؛ بقره ۸۳ حج؛ ۲۴؛ جمعه ۱۱	نشانه ایمان، دوری از لغو و بیهوده‌گویی و نیکوگویی است، مؤمنان در تمام حرکات و خطوط زندگی هدفی را دنبال می‌کنند	اصل هدف‌داری و تعالی محوری در طنز
	هود، ۱۱۸ و ۱۱۹؛ ملک، ۲؛ ذاریات، ۵۶؛ بقره، ۱۵۶؛ یونس، ۴۵؛ بقره، ۳۰؛ قمر، ۵۴ و ۵۵؛ نساء، ۱۷۵	رحمت الهی، آزمایش انسان و عبادت اهداف آفرینش انسان است، مبدأ و مقصد آفرینش انسان خدای متعال است، انسان جانشین الهی در زمین است، متقین در نزد خداوند صاحب جایگاه هستند	
	روم، ۳۰؛ شمس، ۷ و ۸؛ سجده، ۷ و ۹؛	خداوند انسان را بر اساس فطرت الهی آفریده است، نهادینه شدن شناخت و معرفت در نهاد انسان، انسان هویتی دو ساحتی از جسم و روح دارد	اصل هویت‌گرایی فردی و اجتماعی در طنز

اصول طنز اجتماعی قرآن بنیان	مفاهیم استنباطی از آیات	داده‌ها (آیات)	شیوه‌های طنز
اصل اصلاح‌گری فرد و اجتماع در طنز	تلاش و کوشش پیامبران در اصلاح امور جامعه، نهی مؤمنان از فریب خوردن ظاهر و سخنان زیبای و توخالی منافقین، به‌دوراز سرمستی و تکبر راه رفتن، فریاد کشیدن و بلند کردن صدا، امری ناپسند و نکوهیده است، کسی که خدا را حاضر بدانند و خود را در محضر او ببینند، نمی‌ترسد و این‌یکی از مؤلفه‌های اصلاح‌گری در جامعه است، استهزاء و تمسخر زمینه گمراهی دور شدن از اصلاح است، وحی، وسیله تربیت پیامبر و اصلاح امت و لازمهٔ ربوبیت خداست	هود ۸۷؛ منافقون، ۴؛ اسراء، ۳۷؛ لقمان، ۱۹؛ نمل، ۱۰ و ۱۱؛ بقره، ۱۴ و ۱۵؛ هود، ۳۸؛ اعراف، ۲۰۳	آیات متناظر و مرتبط با طنز (تهکم و کنایه، تعریض، تمثیل، تشبیه)
اصل عقلانیت محوری در طنز	استهزا و طعنه ابراهیم (ع) بر خرافات و عقاید باطل و استفاده از احتجاج، استدلال و قوانین عقلایی جهت دعوت، به تفکر و تعقل و داشتن بت پرستان با یک استدلال ساده توسط ابراهیم (ع)	انبیاء ۶۲ و ۶۳ و ۶۴؛ انعام، ۷۶ و ۷۷	آیات متناظر و مرتبط با طنز (کنایه و تهکم)
اصل دو ساحتی محوری در بیان محتوای طنز	مکذبین آیات الهی هیچ‌گاه وارد بهشت نخواهند شد، پذیرایی اصحاب شمال در روز جزا با زقوم و حمیم، آتش دوزخ جایگاه گناه‌کاران است	انفال، ۴۰؛ واقعه، ۵۱ تا ۵۶؛ بقره، ۲۰۶؛ اعراف، ۴۱؛ آل عمران، ۱۲	آیات متناظر و مرتبط با طنز (تشبیه و تهکم)

اصول طنز اجتماعی قرآن بنیان	مفاهیم استنباطی از آیات	داده‌ها (آیات)	شیوه‌های طنز
اصل حفظ کرامت و عزت محوری در طنز	دعوت به حفظ کرامت و عزت نفس مؤمنان، تحقیر و تمسخر کسانی که در دنیا تنها برای خود عزت و کرامت قائل بودند، کرامت و عزت دنیوی به معنای کرامت اخروی نیست	نساء ۱۳۸؛ دخان، ۴۹؛ قلم ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶	آیات متناظر و مرتبط با طنز (تهکم)
اصل واقع‌گرایی در طنز	بیان واقعیت رفتار راه رفتن با سرمستی و تکبر، بیان واقعیت محال بودن ورود کافران به بهشت، به تصویر کشیدن ناهمگونی باطن و ظاهر منافقین، بیان واقعیت پرستش بت‌ها و عقاید خرافی با استدلال و احتجاج، بیان واقعیت رفتار زشت بلند صحبت کردن، بیان حقیقت عزت در پیشگاه خداوند، نهی و نکوهش یک واقعیت اجتماعی به نام خودکشی در اثر کم‌حوصلگی و عصبانیت و ضعیف ایمان	اسراء، ۳۷؛ اعراف، ۴۰؛ منافقون، ۴؛ انبیاء، ۶۲؛ ۶۳ و ۶۴؛ لقمان، ۱۹؛ دخان، ۴۹؛ حج، ۱۵	کنایه، تعریض، تشبیه، تمثیل، تهکم

### الف) اصل هدف‌داری و تعالی محوری در طنز

یکی اصول و شاخص‌ها که زیربنای بسیاری از نظام‌ها و ساختارهای اجتماعی قرآن بنیان است، هدف‌داری و تعالی محوری است. خدای متعال در آیات متعدد انسان را به این اصل متوجه ساخته و او را به هدفمندی در تمامی امورات فردی و اجتماعی سفارش نموده است؛ توضیح اینکه، در نگرش قرآنی، منافع «فردی» بر اساس هدف آفرینش انسان؛ یعنی، قرار گرفتن در مسیر عبودیت و در نهایت رسیدن به «قرب الهی» تعیین می‌شود. همچنین است منافع «جامعه» که مراد از آن، مصالح و اهدافی است که اسلام برای جامعه تعیین می‌کند؛ به بیان دیگر

در بینش قرآنی، منافع و مصالح فردی و جمعی به سمت یک هدف حرکت می‌کنند و هرکدام باید تابع آن هدف باشند؛ ازاین‌رو بی‌تردید حوزه طنز اصیل قرآنی در شکل‌های مختلف فردی و اجتماعی آن، یکی از این منافع و مصالح است که از این قاعده مستثنا نبوده و همچون سایر حوزه‌های اجتماعی قرآن بنیان باید دارای هدف قرآنی باشد. از طرفی برای دستیابی به هدف طنز اصیل قرآنی ناگزیر باید به فلسفه، غرض و هدف آفرینش انسان رجوع کنیم؛ زیرا هدف طنز از دیدگاه قرآن کریم هر چه که باشد از فلسفه آفرینش انسان جدا نیست و باید با آن تحلیل گردد؛ علت این امر نیز این است که همان‌طور که گفته شد، طبق آیات قرآن کریم آفرینش انسان بیهوده نبوده و بلکه دارای هدفی متعالی است (ص: ۲۷) و برای رسیدن به این هدف، تمامی اعمال و سکانات انسان در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی ناگزیر باید مطابق و هم‌راستا با آن فلسفه آفرینش انسان باشد؛ زیرا در غیر این صورت زندگی دنیوی نه‌تنها پوچ و بیهوده خواهد بود؛ بلکه انسان را به‌غایت خویش و سعادت نمی‌رساند؛ ازاین‌رو ساختار و محتوای طنز باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که بتواند انسان را به هدف و غرضی که خداوند انسان را بر اساس آن آفریده است، نزدیک کند و اگر غیر این باشد، آن طنز چیزی جز سرگرمی و شادی‌های عبث و زودگذر نخواهد بود.

طبق آیات قرآن هدف از آفرینش هستی، خود خداوند است (نور: ۴۲) و از طرفی با تحلیل برخی آیات (ملک: ۲؛ هود: ۱۱۸ و ۱۱۹؛ ذاریات: ۵۶) می‌توان، هدف غایی و نهایی از آفرینش انسان را رسیدن به «قرب الهی» دانست (نصری، ۱۳۸۵: ۹۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۳۴۴). بر این اساس تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی انسان باید با این هدف متعالی هم‌آهنگ باشد و مقصد و غایتی که در حوزه طنز اجتماعی نیز باید مدنظر قرار گیرد، نزدیک کردن انسان به هدف آفرینش او؛ یعنی «قرب الهی» است.

از سوی دیگر، آنچه به اصل بودن این بحث (هدف‌داری و تعالی محوری) در رابطه با طنز اجتماعی کمک می‌کند، وجود آیات و روایاتی است (مؤمنون: ۳؛ بقره: ۸۳؛ جمعه: ۱۱؛ حج: ۲۴) که صریحاً انسان را به پاکیزه‌گویی و عدم

گفتار لغو و بیهوده و به عبارتی هدفمندی و تعالی نگری گفتاری سفارش می‌کند که می‌توان از آن هدفمندی در تمامی شیوه‌های انتقال پیام از جمله طنز را استنباط نمود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۴۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۵: ۹) که مقصد حقیقی این آیات، نیز به همان نزدیکی انسان به «قرب الهی» ختم می‌شود.

در روایات اهل بیت (ع) نیز، صریحاً از فکاهی لغو و بیهوده و بدون هدف متعالی نهی شده است. امام هادی (ع) می‌فرماید: «الْهَزْءُ فُكَاهَةٌ السُّفَهَاءِ وَصِنَاعَةٌ الْجُهَالِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۷۲: ۱۴۷) همچنین امیرالمؤمنین (ع) امام حسن (ع) را از شوخی بی‌محتوا نهی می‌کند: «إِيَّاكَ أَنْ تَذَكَّرَ مِنَ الْكَلَامِ مَا يَكُونُ مُضْحِكًا، وَإِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ عَنْ غَيْرِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

براین اساس هدفی که طنز، طنزپرداز و مخاطب دنبال می‌کنند به‌ناچار باید در طول این هدف متعالی باشد و اگر در جهت خلاف آن‌ها صورت بگیرد، از هدف الهی بودن خارج است. این، یک اصل کلی برای تعیین هدف در طنز در همه ابعاد آن است که از آیات قرآن کریم استنباط می‌گردد و ضروری است موردتوجه قرار گیرد (عظیمی، ۱۳۸۳: ۵۷).

### ب) هویت‌گرایی فردی و اجتماعی در طنز

از دیگر اصول ساخت طنز اجتماعی که اگرچه دلالت مستقیمی بر حوزه طنز و شیوه‌های آن ندارد؛ اما به دلیل اهمیت آن و همچنین مفاهیم عام آن می‌تواند به‌عنوان یکی از اصول مهم قرار گیرد. بحث فطرت و هویت حقیقی انسان ازجمله مهم‌ترین مباحث حوزه انسان‌شناسی است که بی‌تردید مبنای بسیاری از حوزه‌های علم الاجتماع است که به‌تبع در مقوله طنز اجتماعی نیز ازجمله اصول اساسی و کلیدی به‌شمار می‌رود. اصل هویت‌گرایی و توجه به هویت حقیقی انسان به‌عنوان موجودی دو ساحتی دارای سرشتی الهی با ویژگی‌های فرا حیوانی بودن، غیر اکتسابی بودن و زوال‌ناپذیری بودن دارای اهمیت است (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

خدای متعال انسان را با سرشتی الهی و لاینغیر ساخته است. خدای سبحان در سوره مبارکه روم با بیان توحیدی بودن فطرت تمامی بشر، نحوه خلقت را

تبدیل ناپذیر، معرفی می‌کند: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰). خدای متعال در بخش دیگری از قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۷ و ۸)؛ یعنی خداوند، روح انسان را تسویه کرد و تسویه روح به این است که تباهی و تقوای جان آدمی را به او آموخت و مرحله «نفس مُلْهَمَه» را محقق فرمود. پس دانش‌هایی چون خداشناسی و شناخت اصول ارزشی در نهاد هر کس تعبیه و به همراه جان او آفریده شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۵۳).

در آیاتی دیگر نیز خداوند متعال در ضمن بیان کیفیت خلقت انسان به هویت حقیقی انسان که از جسم و روح تشکیل شده است اشاره می‌فرماید: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ...، ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ» (سجده: ۷ و ۹) در این آیه با استعاره و کنایه گویی، روح به دم زدن و نفسی که آدمی می‌کشد و برمی‌گرداند، تشبیه شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۲۵۰، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۱۲۷). در این آیه به صراحت بیان کرده است انسان را از جسم و روحی با منشأ و هویتی الهی، آفریده است؛ بنابراین طبق این آیات، ما در تمامی حوزه‌های انسانی و از جمله مقوله طنز اجتماعی با سرشت مشترک و گرایش‌های ذاتی یکسان در مجموعه‌ای از انسان‌ها روبه‌رو هستیم که باآنکه ممکن است تحت تأثیر محیط و عوامل محیطی منحرف شده باشند؛ اما در حقیقت اصل و اساس و سرشت ایشان، زوال‌ناپذیر است. در این میان طنز قرآنی مبتنی بر اهداف متعالی قرآنی، در تلاش است تا این انحراف پدید آمده در انسان و به تبع آن جامعه را به مسیر اصلی که همان سرشت و فطرت پاک الهی است برگرداند.

### ج) اصلاح گری فرد و اجتماع در طنز

سومین اصل از اصول طنز اجتماعی از منظر آیات قرآن کریم، توجه به بعد اصلاح‌گرانه طنز در حوزه فرد و اجتماع است. یکی از رسالت‌های طنز اجتماعی که در بین محققان در حوزه طنز همواره مورد بحث قرار داشته است، «اصلاح معایب جامعه» است و لذا هدف طنز را تبیه و توجه دادن افراد و جامعه به معایب و مفاسد خود بیان کرده‌اند و طنزنویس نیز در واقع دافع آفات و امراض روحی و اجتماعی از طریق طنز است و نقاط ضعف و غیراصولی جامعه

را برجسته‌تر جلوه می‌دهد تا بدین وسیله جریانات باطل را متزلزل و سپس اصلاح نماید (ناصری، ۱۳۸۵: ۸۷) به عبارت دیگر اگر بخواهیم به زبان قرآنی این مسئله را مطرح کنیم می‌توان گفت که رسالت اصلی طنز، عمل به دستور الهی «امر به معروف و نهی از منکر» در یک ظرف شیرین همراه با ایجاد خنده و نشاط در میان مخاطبان است.

در رابطه با این اصل، به دسته‌ای از آیات به عنوان نمونه استناد می‌شود که در قالب یکی از شیوه‌های طنز که قبلاً به آن اشاره شده، دستوراتی را جهت اصلاح نواقص و معایب جامعه و به عبارتی امر به معروف و نهی از منکر به جامعه مؤمنان داده است.

### ۱. نهی از تکبر در راه رفتن با کنایه و تعریض

خدای متعال در آیه ۳۷ سوره مبارکه اسراء با عبارت کنایه آمیز به نکوهش صفت تکبر پرداخته و درصدد اصلاح آن در جامعه مسلمین برآمده است: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» (اسراء: ۳۷) در اینجا خداوند، به ضرب‌المثلی اشاره کرده و می‌فرماید: «ای انسان، تو بر اثر تکبر، زمین را در زیر پای خود نمی‌شکافی و بر اثر تجاوز از حد خود، به کوه‌های بلند نخواهی رسید؛ یعنی به آنچه می‌خواهی نمی‌رسی، همان‌طوری که این کارها را خود نمی‌توانی انجام دهی؛ بنابراین چرا به کاری تن می‌دهی که برای تو خیلی بزرگ است و به صلاح تو نیست؛ به عبارتی خداوند متعال در این آیه به بندگان خود درس تواضع، مروت و وقار می‌دهد.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۶۴۲) و با زبان طنز و به صورت کنایه یک رفتار و خصیصه زشت یعنی تکبر و خودپسندی را از جامعه مؤمنین نفی و از نهی می‌کند و به جوامع مؤمنان سفارش می‌کند که از این رفتار بپرهیزند.

### ۲. نفی نفاق و تبعیت از منافقین با زبان تمثیل

خدای متعال در سوره مبارکه منافقون به نکوهش نفاق و جمع شدن مسلمانان گرد منافقان و شنیدن سخنان به ظاهر زیبای آنان پرداخته است، آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّكُمْ خُشْبُ مَسْنَدَةٍ يَحْسَبُونَ

كَلَّ صَيْحَةً عَلَيْهِمْ هُمْ الْعُدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (منافقون: ۴) عبارت مورد نظر در این آیه «كَأَنَّهُمْ خُشِبٌ مُسَنَّدَةٌ» است. خدای متعال در این آیه منافقین را به چوب‌های خشک تشبیه کرده است؛ گویا ایشان پیکرهای بی روح اند که خداوند آن‌ها را در خالی بودن از عقل و فهم به چوب‌های دیوار، تشبیه فرموده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰: ۴۴۱).

به عبارتی، خدای متعال در این آیه به نکوهش صفت نفاق که یکی از معایب جامعه اسلامی است پرداخته است و با زبان تشبیه و تمثیل و طنز، منافقین را که سخنان به ظاهر زیبا؛ اما باطنی خلاف واقع و ناهمگون دارند به چوب خشک تشبیه کرده است و جامعه مؤمنان را از این صفت ناشایست بر حذر می‌دارد تا بدین وسیله به اصلاح جامعه پردازد و مؤمنان را از جمع شدن گرد منافقان و تبعیت از آن‌ها منصرف کرده و حیل‌های آن‌ها را رسوا کند و همچنین افرادی از منافقین را که امید هدایت دارند به مسیر هدایت و اصلاح بکشاند. برخی دیگر از آیات که با شیوه طنز به اصلاح‌گری اجتماعی می‌پردازد عبارت‌اند از: آیات لقمان: ۱۹؛ نمل: ۱۰ و؛ بقره: ۱۴، ۱۵، ۶۷؛ هود: ۳۸، اعراف ۲۰۳ و ...

#### د) عقلانیت محوری در طنز

از دیگر اصول ساختاری و محتوایی در طنز که می‌توان از آیات قرآن کریم استنباط نمود، توجه به عقلانیت محوری است. کلمه «عقل» در لغت به معنای «بستن و گره زدن» است و به همین دلیل، ادراکات درونی و پیمان‌های قلبی را عقل نامیده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۴۷).

امروزه در جهان آنچه از طنز و طنزپرداز، بیشتر انتظار می‌رود، خندانند و لذت‌جویی مخاطب به هر وسیله‌ای هست و در بسیاری از موارد، طنز با مطربی، دلقکی، پوزخند، تمسخر، تحقیر و طعنه‌های زننده اشتباه گرفته می‌شود و هدف از این طنز تنها رسانیدن مخاطب به خنده از سریع‌ترین راه و با هر وسیله ممکن است. در چنین طنزی هدف خندانند و همه امور دیگر وسیله است و در این صورت غالباً عقل و حکمت و جدیت کنار گذاشته می‌شود. از طرفی اما اسلام خواهان بالندگی و رشد عقل و خرد و اندیشه و به فعلیت رساندن فطرت پاک و وجدان حساس بشر است و از این رو استفاده از طنز و هر

بیان هنری دیگری را در این راه، مطلوب و محبوب می‌شمارد و چنانچه این کار تنها به لذت جویی، زیر پا گذاشتن، تعقل، اصول و ارزش‌های انسانی و ارضای هواهای نفسانی منجر شود از نظر دین قرآن کریم پذیرفته شده نیست. از این منظر می‌توان گفت که طنز مطلوب قرآنی و محبوب از دیدگاه اسلام، طنزی است که از باروری فکر و اندیشه و کمال عقل سرچشمه می‌گیرد نه از جهل و نقصان عقل. (حیدری، ۱۳۷۷: ۱۱۷ و ۱۴۲) از همین رو است که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ وَ الْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ»؛ مؤمن شوخ طبع و بازیگر است و منافق، عبوس و غضبناک (الحرانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۱) یا اینکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ»؛ هیچ مؤمنی نیست مگر آن که در او شوخی و مزاح وجود دارد (کلینی، ۱۳۶۲، ۲: ۶۶۳)؛ بنابراین تعقل و خردورزی در طنز اجتماعی از مهم‌ترین اصول است که قرآن کریم در آیات طنزآمیز به آن محوریت بخشیده و جامعه مؤمنین را به تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی در امور واداشته است. در ادامه به دو نمونه پرداخته می‌شود:

### ۱. احتجاج و استدلال‌های ابراهیم (ع) با بت پرستان در قالب تهکم

استفاده از براهین و استدلال‌های عقلی طنزآمیز و احتجاج با مشرکین توسط حضرت ابراهیم (ع) یکی از نمونه‌های قرآنی معطوف به اصل بودن عقل‌گرایی در طنز است: «قَالُوا أَلَّانَتْ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ، قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ اِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ، فَرَجَعُوا اِلَى اَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا اِنَّكُمْ اَنْتُمْ الظَّالِمُونَ» (انبیاء: ۶۲، ۶۳ و ۶۴).

در این آیه حضرت ابراهیم (ع) عبارت «فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا» به کار می‌برد و این از سخنان کنایه‌دار همراه با تمسخر و تهکم بت‌پرستان (طبرسی، ۱۳۷۷، ۳: ۲۰)؛ ابن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ ق، ۴: ۲۳۸۷) در جهت به رخ کشیدن حقیقت عقاید مسلم بت‌پرستان و خرافاتی و بی‌اساس بودن آن‌ها است. این سخنان، بت‌پرستان را تکان داد، وجدان خفته آن‌ها را بیدار کرد و آن‌ها را به اندیشه و تعقل واداشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۴۳۹)؛ زیرا در حقیقت ابراهیم (ع) قصد نداشته است فعل را به بت‌ها نسبت دهد؛ بلکه می‌خواست به منظور ساکن کردن آنان، با این روش عمل را به خودش نسبت دهد؛ مانند وقتی که انسان خوش‌خطی، خط خوشی نوشته و

رفیقش که از نوشتن او تعجب کرده می‌گوید: آیا تو این خط را نوشتی؟ می‌گوید نه پس تو آن را نوشته‌ای، درحالی که رفیقش از اصل، نویسنده‌ی بلد نیست. اینجا نویسنده نمی‌خواهد نوشته را از خود نفی کند، بلکه با مسخره کردن رفیقش که هیچ بلد نیست این کار را به خود نسبت می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۷، ۳: ۲۰).

## ۲. احتجاجات ابراهیم (ع) با پرستش کنندگان ماه، خورشید و ستارگان در قالب طنز

دومین دسته از آیاتی که می‌توان درباره این اصل مطرح کرد احتجاج‌هایی است که حضرت ابراهیم (ع) با پرستش کنندگان ماه و خورشید و ستارگان مطرح می‌کند. این احتجاج‌ها در قالب کنایه و در اوج بلاغت از این گونه اعتقادات باطل انتقاد می‌کند و ممکن است لېخندی حکیمانه بر لب مخاطب بنشانند که باعث تحقیر و کوچک شدن این گونه از افکار و عقاید در ذهن او می‌شود و مخاطب به صورت ناخودآگاه به باطل بودن آن و درست بودن دعوت حضرت ابراهیم پی ببرند (عظیمی، ۱۳۸۳، ۳۵).

خدای متعال در سوره مبارکه انعام این احتجاجات را این گونه بیان می‌فرماید: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ، فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ، إِنِّي وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّی فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۶ و ۷۷) وقتی که ابراهیم (ع) دید که مردم بت می‌پرستند و خورشید و ماه و ستارگان را عبادت می‌کنند، تصمیم گرفت آن‌ها را از خطایشان آگاه سازد و دیده بصیرت آن‌ها را باز کند و راه اندیشه، استدلال و تعقل را به آنان نشان دهد تا بدانند که هیچ کدام از اشیایی که پرستش می‌کنند شایسته این کار نیستند، زیرا همه این‌ها پدیده و حادث‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷، ۱: ۳۹۰) به تعبیری ابراهیم (ع) نمی‌خواست واقعاً اعتراف به خدایی ستاره و ماه و خورشید کند؛ زیرا او خداوند یکتا را شناخته بود؛ اما مقصودش این بود که از این راه برای قوم استدلال کند و خطای آن‌ها را با این منطق رسا برای آن‌ها به ثبوت برساند و به آن‌ها بفهماند که خدا نباید غروب کند و... (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۵۰۱)

## ه) دو ساحتی محوری در بیان محتوای طنز

چهارمین اصل از اصول طنز اجتماعی که از آیات قرآن کریم قابل برداشت است، توجه به ساحت دوگانه جهان است. در این آیات، قرآن کریم با زبان طنز به متوجه و متنبه کردن جامعه مؤمنان به حقیقت آخرت در کنار دنیای مادی پرداخته است. قرآن کریم جهان را مجموعه‌ای از دنیا و آخرت و غیب و شهادت می‌داند (غافر: ۳۹) خدای سبحان مقدر کرده (آل عمران: ۱۴) که بشر تا مدتی معین در زمین زندگی کرده و از آن بهره‌مند شود و تقدیر کرد تا از دنیا به‌عنوان وسیله بدان بنگرند، نه با دید استقلال‌ی، زندگی دنیا را وسیله زندگی آخرت قرار دهند، نه اینکه آن را هدف پنداشته و ماورای آن را فراموش کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۳: ۹۶).

براین اساس آنچه در مقوله طنز اجتماعی همچون سایر حوزه‌های اجتماعی انسان از جمله حوزه‌های تربیتی، سبک زندگی، خانواده و همچنین نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و ... از دیدگاه قرآن مورد انتظار است، توجه به ساحت دوگانه عالم است؛ بدین معنی که طنز تنها نباید به جنبه مادی و زودگذر آن یعنی خنده، تمسخر، غیبت، تهمت و دلقک‌بازی و ... که شایسته طنز دینی نیست پردازد؛ بلکه در طنز قرآنی، همراه با نشاط و خنده به آخرت و حساب روز جزا نیز نگاهی عمیق دارد و بلکه ساختار و محتوای طنز را با چشم‌انداز اخروی و بر اساس معاد باوری، همراه با شادی و نشاط و مزاح صحیح، تنظیم و پردازش می‌کند؛ بنابراین هدف طنز، تنبه و توجه دادن فرد و جامعه به عیب‌ها و فسادهای خود، تحقیر و کوبیدن رذایل اخلاقی فردی و اجتماعی، رشد دادن فضیلت‌ها اخلاقی و اجتماعی و تزکیه، تهذیب و اصلاح و به تکامل رساندن دنیوی و اخروی فرد و اجتماع در کنار هم است، نه به‌تنهایی و یک‌جانبه (شمسیا، ۱۳۷۱، به نقل از ناصری، ۱۳۸۵: ۸۵).

با این مقدمه به آیات متناظر با این اصل پرداخته می‌شود:

۱. تشبیه در ورود کافران به بهشت: خدای متعال در سوره مبارکه اعراف، غیرممکن بودن ورود کافران به بهشت را به وارد شدن شتر از سوراخ سوزن تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ» (اعراف: ۴۰). در این آیه با جمله «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» ورود کافران به بهشت تعلیق بر محال شده و این تعلیق بر محال کنایه است از اینکه چنین چیزی محقق نخواهد شد و باید برای همیشه از آن مأیوس باشند، همچنان که گفته می‌شود: من این کار را نمی‌کنم مگر بعد از آنکه کلاغ سفید شود یا موش تخم بگذارد. در آیه مورد بحث این معنا را به کنایه فهمانده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸: ۱۱۶).

۲. پذیرایی اصحاب شمال در روز جزا: از دیگر آیاتی که بیان‌کننده دو ساحتی محوری در طنز اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است، آیات ۵۱ تا ۵۶ سوره مبارکه واقعه است که پذیرایی اصحاب شمال در روز جزا را توصیف می‌کند و این پذیرایی را «نُزْلٌ» می‌نامد؛ نزل به معنای «فرود آمدن به پایین» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۹۹) و منظور پذیرایی از ایشان در روز جزا است و منظور هر خوردنی و نوشیدنی است که میزبان به وسیله آن از میهمان خود پذیرایی می‌کند و حرمتش را پاس می‌دارد و در اینکه عذاب آماده شدن آنان را، پذیرایی خوانده، نوعی تهکم و طعنه زدن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹: ۱۲۶). نامیدن «زقوم» و «حمیم» به عنوان «نزل»، گواه تهکمی شدید و استهزائی‌گزنده است که شایسته تکذیب گران آیات الهی است؛ زیرا «نزل» جهت اکرام است؛ حال آنکه این عذاب است و اهانت و سرزنش (صابونی، ۲۰۰۷ م: ۳۳۵).

برخی دیگر از آیاتی که در این خصوص در قرآن کریم به عنوان نمونه می‌توان بیان کرد عبارت‌اند از: آیات ۲۰۶ سوره بقره، ۴۱ اعراف، ۱۲ آل عمران و ... در بیانات اهل بیت (ع) نیز داستان‌هایی آمده است که دلالت بر این اصل دارد. از جمله داستان مشهوری که از پیامبر (ص) نقل شده است که پیر زنی نزد ایشان آمد. حضرت به او فرمودند: پیر به بهشت نمی‌رود. پیر زن گریست. حضرت فرمودند: تو در آن روز پیر نخواهی بود. خدای متعال می‌فرماید: «ما آنان را آفرینش نوینی بخشیدیم و همه را دوشیزه قرار دادیم» (ورام، ۱۴۱۰ ق: ۱: ۱۱۲) در این داستان پیامبر (ص) با زبان طنز یاران خود را متوجه آخرت و بهشت نموده است.

### ز) حفظ کرامت و عزت محوری در طنز

از دیگر اصول طنزنویسی و طنز نگاری که از آیات قرآن کریم قابل برداشت

است، عزت‌گرایی و توجه به حفظ کرامت انسان‌ها در طنزپردازی است. کرامت به معنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزّت است (قرشی، ۱۳۸۶، ۶: ۱۰۳). خداوند انسان را بر سرشت نیکو و متعالی آفریده است. از دیدگاه قرآن (جائیه: ۱۳) انسان از چنان منزلت و مقامی برخوردار است که به فرمان خدا همه موجودات جهان در تسخیر او هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۸: ۱۶۱)؛ از این رو نه تنها در طنزپردازی بلکه در همه حوزه‌های فردی و اجتماعی، نباید کرامت و ارزش و عزت مردم جامعه پایمال و زیر سؤال برود؛ زیرا در نظام تشریح خداوند، تمامی انسان‌ها، دارای عزت و کرامت بوده و کسی حق تحقیر و تضعیف آنان را ندارد و همه یکسان از حقوق بشری برخوردار هستند مگر کسانی که خود با اعمال و رفتار ناشایست و بد خویش، زمینه محرومیت خود را فراهم می‌نمایند. به دیگر سخن، انسان در پیشگاه خداوند کرامت ذاتی دارد؛ زیرا خداوند انسان را خلیفه (بقره: ۳۰)، امانت‌دار (اعراف: ۱۱)، دارای علم ویژه و مثل اعلی (تین: ۴) قرار داده است (جعفری تیریزی، ۱۳۸۵: ۲۷۹).

در قرآن کریم آیات متعددی در رابطه با کرامت و حفظ حقوق و عزت انسان وجود دارند که در این بخش به مقتضای بحث به‌عنوان نمونه به برخی از آیاتی که به این مقوله در طنز پرداخته و می‌توان از آن‌ها کرامت محوری را استنباط نمود پرداخته می‌شود:

### ۱. حفظ کرامت حقیقی و بشارت به عذاب در قالب کنایه طنزآمیز

خدای متعال در آیاتی منافقین را در قالب طنز و به‌صورت تهکمی به عذاب وعده می‌دهد: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْتَنُّونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۸)؛ بشارت برای خبر مسرت‌بخش به کار می‌رود و استعمال آن در معنای مخالفش، استعاره و به جهت آگاه‌سازی و تنبیه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۱۲۶). در این آیه خداوند به‌عنوان استهزا و به تمسخر گرفتن منافقان «بشر» را به‌جای «أخبر» قرار داده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ۱: ۲۹۵) و در نتیجه این آیه یک نوع تهکم و تهدید برای منافقین است و امکان دارد شامل یک عده از مؤمنین نیز می‌شود، آن مؤمنینی که همواره مبتلای به دوستی با کفار هستند و به ظاهر از جماعت

مؤمنین فاصله می‌گیرند ولی در باطن با آنان اتصال دارند، مؤمنینی که عزت خود را در وابستگی می‌دانند و به تعبیری عزّت را در وابستگی به کفار جستن، خصلتی منافقانه است که خداوند در این آیه با زبان کنایه و طنز پاداش عذاب درخور را به آن‌ها می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۵: ۱۱۵).

این آیه به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت حقیقی خود را در مقابل دشمنان حفظ کنند و عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجویند، بلکه تکیه‌گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهند که سرچشمه همه عزت‌ها است و غیر خدا از دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند (مکارم، ۱۳۷۴ ق، ۴: ۱۷۰).

## ۲. دور بودن گناه‌کاران از عزت و کرامت

خدای متعال در آیه‌ای با عبارت تهکمی و تمسخرآمیز، ابوجهل را که خود را صاحب عزت و کرامت خوانده است، وعده عذاب داده و مورد خطاب قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که این جزا و کیفر برای آن کسی است که کرامت را در غیر آنچه دارای عزت و کرامت است، جستجو می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۷، ۴: ۸۹؛ قرشی، ۱۳۷۷، ۱۰: ۹۰؛ ابن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ ق، ۵: ۳۲۱۷): «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان: ۴۹).

در رابطه با نزول این آیه گفته شده که ابوجهل به رسول خدا (ص) گفت: میان دو کوه مکه عزیزتر و کریم‌تر از من کسی نیست و سپس این آیه نازل شد و می‌فرماید که این عذاب را بچش که تو باعزت و بزرگواری هستی! زیرا این جهنمی در دنیا می‌گفته است من عزیزترین فرد این وادی و بزرگواری‌ترین آنان هستم (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹: ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ۴: ۸۹)؛ بنابراین، در این آیه خدای متعال با زبان طنز و کنایه طنزآمیز به کسانی که در دنیا خود را دارای عزت و کرامت می‌پنداشتند سرزنش نموده و بیان می‌دارد که کرامت و عزت از آنان به دور است و سهم آن‌ها در آخرت چیزی جز آب جوشان و عذاب جهنم نیست.

در این زمینه می‌توان به آیات دیگر استناد کرد. از جمله سوره قلم آیات: ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ و ...

از امام علی (ع) نیز از شوخی خارج از حد که موجب بی‌احترامی و از دست رفتن کرامت افراد می‌شود نهی شده است: «كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تَذْهَبُ الْهَيْاءَ وَتُوجِبُ الشَّحْنَاءَ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۷: ۳۹۰).

### ح) واقع‌گرایی در طنز

واقع‌گرایی در طنز از دیگر اصول اساسی در مقوله طنز اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم است. منظور از این اصل، پرداختن به واقعیات جامعه و به‌دوراز توهمات و دروغ‌پردازی‌ها است و علاوه بر آن داشتن نوع نگاه واقعی‌گرایانه و ارائه تصویری واقعی در عین طنزآمیز بودن است؛ به صورتی که با مهارت تمام رفتار یا عقیده باطل به‌صورت عریان و لخت به تصویر کشیده شود و در منظر دیگران گذاشته شود. برخی همچون علامه جعفری طنز را خلاف واقع دانسته و موردنقد قرار داده‌اند و دلیل خود را اهانت و هتک حرمت در طنز بیان کرده‌اند (نجفی صحنه‌ای، ۱۳۸۷: ۲۰۵)؛ اما با توجه به تعریفی که از طنز اختیار گردید و مؤلفه‌هایی که بیان شد و همچنین آیاتی که استناد می‌شود، به این نتیجه خواهیم رسید که طنز موردپذیرش قرآن کریم طنزی واقع‌گرایانه به‌دوراز هرگونه توهین، اهانت، توهم و دروغ‌پردازی غیر واقع‌گرایانه و حتی سبکی و دلک‌بازی است. به تعبیری دیگر مؤلفه بسیار مهمی که نه‌تنها در آیات مربوط به طنز بلکه در تمامی آیات در قرآن کریم قابل مشاهده است، واقع‌گرایی است. خدای متعال در سوره احزاب آیه ۷۰ جامعه مؤمنین را به «قول سدید» (کلام مطابق با واقع که لغو نباشد) سفارش می‌کند: «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۶: ۳۴۷)؛ ازاین‌رو طبق آیات قرآن کریم انسان باید در تمامی انواع طرق پیام، واقع‌گرایی و حقیقت‌گویی را رعایت نماید. در ادامه این بخش به آیات متناظر در رابطه با طنز پرداخته خواهد شد:

#### ۱. به تصویر کشیدن واقعیت تکبر با تهکم

خدای متعال به‌منظور اصلاح رفتار تکبر در جامعه مؤمنان، تعبیر دقیق و زیبا از وضعیت متکبران را در سوره مبارکه اسراء آیه ۳۷ بیان فرموده است: «وَلَا تَمْسُ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا» در این آیه انسان متکبر را

مورد تهکم قرار داده است که تو بر اثر تکبر، هیچ وقت زمین را در زیر پای خود نمی شکافی و همچنین از حدود خود نمی توانی تجاوز کنی و به کوه های بلند نخواهی رسید (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶: ۶۴۲). در این آیه علاوه بر بیان یک نقص و عیب اجتماعی که خداوند متعال درصدد اصلاح آن برآمده در حقیقت فهمی واقعی و دقیق از این رفتار را به تصویر می کشد و در منظر قرار می دهد. به تعبیری، این آیه گویا عمق این مرض را کشف کرده و راه درمان آن را جهل او نسبت به خود و دنیای اطراف دانسته و لذا به سراغ فکر او رفته و با زبان طنزگونه، دنیای اطراف را به او نشان می دهد که زیر پای تو چنین زمینی و در اطراف تو چنین کوه هایی هستند. پس تو نه چنان وزن سنگینی داری که وقتی پای خود را بر زمین می کوبی سوراخ شود و نه چنان قد و بالایی که به کوه ها برسد، پس چرا خود را گرفته ای (نجفی، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

آیه دیگری که مرتبط با این بحث است عبارت است از آیه ۴۰ سوره مبارکه اعراف است که در مباحث گذشته به بحث گذاشته شد و گفته شد که خدای متعال محال بودن ورود کافران را در گفتاری طنزآمیز با جمله «حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ» به زیبایی به تصویر کشیده و واقعیت آن را بیان فرموده است.

## ۲. به تصویر کشیدن ناهمگونی باطن و ظاهر منافقین

خدای متعال همچنین در سوره منافقون آیه ۴، در نفی نفاق، تصویری نغز، دقیق و همراه با واقعیت از منافقین و گفتار به ظاهر زیبای آن ها اما دارای باطنی بی روح و ناهمگون را طرح کرده و اینان را به چوب های خشک (كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسَنَّدٌ) تشبیه نموده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰، ۴۴۱) تعبیری که به زیبایی وضعیت منافقین را در قالب طنز به نقد کشیده است و مؤمنان را از تبعیت از آن ها بازداشته است؛ بنابراین، واقع گرایی و حقیقت محوری در بیانات طنزآمیز قرآن کریم یک اصل و یک محور اصیل است که می توان در تمامی آیات طنز مشاهده نمود (انبیاء: ۶۲، ۶۳ و ۶۴؛ لقمان: ۱۹؛ دخان: ۴۹... ) و ما در اینجا تنها به برخی از آن ها به عنوان نمونه استدلال نمودیم.

در روایات معصومین (ع) از زبان پیامبر (ص) نیز آمده است که فرموده اند در هنگام شوخی کردن چیزی به جز حق و حقیقت بر زبان جاری نمی کنند:

امام صادق ع: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدَاعِبُ وَلَا يَقُولُ إِلَّا حَقًّا» (محدث نوری، بی تا، ۸: ۴۰۸).

## ۵. نتایج تحقیق

از آنچه گفته شد، نتیجه گرفته می شود که:

طنز اجتماعی بیانی انتقادآمیز نسبت به نقایص جامعه به امید اصلاح معایب آن است تا موجبات رشد فکری و عملی جامعه را در بستر عنصری به نام «خنده و شوخ طبعی» فراهم آورد.

در دستیابی به اصول طنز اصیل توحید محور از دیدگاه قرآن کریم، به دودسته از آیات استناد گردید؛ دسته اول آیاتی هستند که ظاهراً از شیوه های طنز در آن ها به کار نرفته است؛ اما به دلیل مطابقت آن آیات با اصول طنز اجتماعی، به آن ها استناد صورت گرفته است. دسته دوم آیاتی است که در آن ها به یکی از شیوه هایی طنز سخن گفته شده است. بر این اساس در این تحقیق هفت نوع از مهم ترین اصول طنز با توجه به آیات قرآن تبیین شد.

۱. اولین اصل از اصول طنز نگاری اجتماعی هدف داری طنز است؛ طبق آیات قرآن کریم به این نکته دست پیدا کردیم که طنز باید هدف دار و دارای غرضی دینی و الهی باشد و بی تردید این هدف ارتباط مستقیم با فلسفه آفرینش انسان (قرب الهی) دارد.

۲. دومین اصل طنز اجتماعی عبارت بود از هویت محوری در طنز. هویت حقیقی انسان به عنوان موجودی دو ساحتی دارای سرشتی الهی با ویژگی های فرا حیوانی بودن، غیر اکتسابی بودن و زوال ناپذیری بودن مورد توجه است که در طنز پردازی باید مدنظر قرار گیرد.

۳. از دیگر اصول طنز اجتماعی که از آیات قرآن کریم استنباط گردید عبارت بود از اصلاح گری فرد و جامعه در جهت اصلاح نقایص و معایب جامعه.

۴. چهارمین اصل، گرایش به عقلانیت محوری و توجه به باروری فکر و اندیشه و کمال عقل در طنز نگاری است.

۵. توجه به ساحات دوگانه جهان نیز از جمله اصول مهم در حوزه طنز است.

در این رابطه قرآن کریم با زبان طنز به متوجه و متنبه کردن جامعه مؤمنان به حقیقت آخرت در کنار دنیای مادی پرداخته است.

۶. از دیگر اصول مهم در تولید محتوای طنز اجتماعی، عزت‌گرایی و توجه به حفظ کرامت انسان‌ها در طنزپردازی است. به‌طور کلی در طنزپردازی، نباید کرامت و ارزش و عزت مردم جامعه پایمال و زیر سؤال برود؛ زیرا در نظام تشریح خداوند، تمامی انسان‌ها، دارای عزت و کرامت بوده و کسی حق تحقیر و تضعیف آنان را ندارد.

۷. واقع‌گرایی و پرداختن به واقعیات جامعه و به‌دوراز توهمات و دروغ‌پردازی‌ها در طنز به‌عنوان آخرین اصل در مقوله طنز اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت.

## منابع و مآخذ

- \* قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.  
\*\* نهج البلاغه.
- ۱- ابن ابی فراس، ورام، (۱۴۱۰ ق)، مجموعه ورام، قم، مكتبة الفقيه.
  - ۲- آرين پور، يحيى، (۱۳۷۲)، از صبا تا نيماء، تهران، انتشارات زوار.
  - ۳- ايمان، محمد تقى، نوشادى، محمود رضا (۱۳۹۰)، «تحليل محتوای كیفی»، مجله عيار پژوهش در علوم انسانی، پیاپی ۶، شماره دوم.
  - ۴- التمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی.
  - ۵- جر، خليل، (۱۳۹۱)، فرهنگ لاروس، ترجمه: حبيب طبيبان، تهران، اميرکبير.
  - ۶- جعفرى تبريزی، محمدتقی، (۱۳۸۵)، حقوق جهانی بشر: تحقيق و تطبيق در دو نظام؛ اسلام و غرب، تهران، مؤسسه تدوين و نشر آثار استاد محمد تقى جعفرى.
  - ۷- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسراء.
  - ۸- حجازی، محمد محمود، (۱۴۱۳ ق)، التفسير الواضح، بيروت، دارالجيل الجديد.
  - ۹- الحرانی، ابن شعبه، (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
  - ۱۰- حری، ابوالفضل، (۱۳۸۷)، درباره طنز: رویکردهای نوین به طنز و شوخ طبعی، تهران، انتشارات سوره مهر.
  - ۱۱- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات.
  - ۱۲- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، تهران، پیک.
  - ۱۳- حیدری، محمداقبر، (۱۳۷۷)، «مقدمه بر طنز از دیدگاه عقل و نقل»، مجله پژوهش‌های ارتباطی، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۱۱۵-۱۵۴.
  - ۱۴- حیدری، محمداقبر، (۱۳۷۹)، «طنز در قرآن کریم»، مجله صحیفه مبین، دوره دوم، شماره ۲۳، صص ۳۶-۶۹.
  - ۱۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
  - ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم.
  - ۱۷- رجبی، محمود، (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی.
  - ۱۸- شوقی نوبر، احمد، (۱۳۷۱)، «طنز و شیوه‌های گوناگون آن»، کیهان اندیشه، شماره ۴۲، صص ۱۱۲-۱۲۶.
  - ۱۹- صابونی، محمدعلی، (۲۰۰۷ م)، البداع البیانی فی القرآن العظیم، بیروت، شرکه ابناء شریف الانصاری.
  - ۲۰- طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
  - ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو.

- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم.
- ۲۳- عظیمی، ولی الله، (۱۳۸۳)، نمایی از طنز دینی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- ۲۴- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، تفسیر أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- ۲۵- قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۸۶). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۶- قطب، سید ابراهیم (۱۴۱۲ ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، تفسیر القمی، چاپ چهارم، قم، دارالکتاب.
- ۲۸- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم.
- ۲۹- گروه معارف مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، (۱۳۸۱). پژوهشی در باره طنز در شریعت و اخلاق، قم، بوستان کتاب.
- ۳۰- اللیثی الواسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۷)، عیون الحکم و المواعظ، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- ۳۱- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، تهران، مؤسسه الوفاء.
- ۳۲- مروتی، سهراب، (۱۳۷۷)، «ترنم در آینه اخلاق»، مجله پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۷۹-۱۹۰.
- ۳۳- مروتی، سهراب، ذوالفقاری فر، قدرت الله، (۱۳۹۲)، «طنز در قرآن کریم»، مجله تحقیقات علوم و قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال دهم، شماره ۲، صص ۱۷۷-۲۰۴.
- ۳۴- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۹)، آموزش عقائد، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳۵- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۴). به سوی او (مشکات)، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۶- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۷)، خودشناسی برای خودسازی / به‌سوی خودسازی (مشکات)، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۷- معین، محمد، (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۸- مکارم شیرازی ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۳۹- ناصری، ناصر، (۱۳۸۵)، «طنز و جلوه‌های شکل‌گیری آن در ادب فارسی»، مجله ادبیات فارسی، شماره ۷، صص ۷۹-۱۱۴.
- ۴۰- نجفی صحنه‌ای، علی، (۱۳۸۷)، «طنز مقدس»، مجله بینات، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۱۷۴-۲۱۴.
- ۴۱- نجفی، زین‌العابدین، (۱۳۹۶)، «نقش آفرینی در سبک زندگی اسلامی از منظر شریعت»، مجله انسان‌پژوهی دینی، شماره ۳۸، صص ۵۷-۸۳.
- ۴۲- نصری، عبدالله، (۱۳۸۵)، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۴۳- نوری طبرسی، حسین، (بی‌تا)، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- ۴۴- هیئت مولفان، (بی‌تا)، فرهنگ آکسفورد، تهران، انتشارات دانشیار.

## REFERENCES

Holy Qur'an, translated by Makarem Shirazi.

\*\*Nahj al-Balagha.

- 1- Al-Harrani, Ibn Shuba, (1404), Tuhf al-Uqoul an Aal al-Rasoul, Qom, Al-Nashr al-Islami.
- 2- Al-Jurr, Khalil, (1391), The Modern Arabic Larousse Dictionary, translated by: Habib Tabibian, Tehran, Amirkabir.
- 3- Al-Laythi al-Wasiti, Ali Bin Muhammad, (1377), Uyoun al-Hikam wa al-Mawa'iz, Qom, Dar al-Hadith Cultural Institute.
- 4- Al-Tamimi al-Amidi, Abdul-Wahed ibn Muhammad, (1410 AH), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
- 5- Ariyanpoor, Yahya, (1372), From Saba to Nima, Tehran, Zovvar Publications.
- 6- Azimi, Valiyyollah, (1383), A View of Religious Satire, Qom, Center for Islamic Research in Iranian Broadcasting.
- 7- Board of Authors, (n.d.), Oxford Dictionary, Tehran, Daneshyar Publications.
- 8- Dekhoda, Ali Akbar, (1377), Dekhoda Dictionary, Tehran, University of Tehran Printing and Publishing Institute.
- 9- Department of Education, Center for Islamic Research in Iranian Broadcasting, (2012), A Study on Humor in Sharia and Ethics, Qom, Bo'stan Kitab.
- 10- Halabi, Ali Asghar, (1364), An Introduction to Satire and Humor in Iran, Tehran, Peyk.
- 11- Heydari, Mohammad Baqer, (1377), "Introduction to Satire from the Angle of Reason and Narration", Journal of Communication Research, Vol. 13 and 14, pp. 115-154.
- 12- Heydari, Mohammad Javad, (1379), "Humour in the Holy Qur'an", Sahifa Mobin Magazine, Vol. 2, No. 23, pp. 36-69.
- 13- Hijazi, Muhammad Mahmud, (1413 AH), Al-Tafsir al-Wadiah, Beirut, Dar al-Jeel al-Jadid.
- 14- Horri, Abolfazl, (1387), About Satire: New Approaches to Humor and Satire, Tehran, Surah Mehr Publications.
- 15- Hosseini Shah Abdulazimi, Hossein bin Ahmad, (1363), Tafsir Ethnaashari, Tehran, Miqat Publications.
- 16- Ibn Abi Firas, Warram, (1410 AH), Majmou'ah Warram, Qom, School of Al-Faqih.
- 17- Iman, Mohammad Taghi; Noshadi, Mahmoud Reza (1390), "Qualitative Content Analysis", Journal Ayyar-e Pajouhesh in Human Sciences, Issue. 6, Vol. 2.
- 18- Jafari Tabrizi, Mohammad Taghi, (1385), Universal human rights: Realization and implementation in two systems; Islam and the West, Tehran, Institute of editing and publishing the works of Professor Mohammad Taghi Jafari.
- 19- Javadi Amoli, Abdullah, (1381), Man's Face and Character in the Qur'an, Qom, Isra Publishing.
- 20- Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (1362), Al-Kafi, Tehran, second edition, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 21- Majlisi, Mohammad Bagher, (1403), Bihar al-Anwar, Tehran, Al-Wafa Institute.
- 22- Makarem Shirazi, Naser, (1374), Tafsir Nomooneh, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- 23- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1379), Educating Beliefs, Tehran, International

Publishing Company of Islamic Tablighat Organization.

24- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1384). To him (Mishkat), Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute Publication Center.

25- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1387), Self-knowledge for Self-improvement / Toward Self-improvement (Mishkat), Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute Publications.

26- Moin, Mohammad, (1375), Persian Dictionary, 9th edition, Tehran, Amirkabir Publications.

27- Morovvati, Sohrab, (1377), "Trannom dar Ayne-ye Akhlaq", Journal of Communication Research, No. 13 and 14, pp. 179-190.

28- Morovvati, Sohrab; Zulficarifar, Ghodratollah, (1392), "Satire in the Holy Quran", Al-Zahra University Science and Quran and Hadith Research Journal, Issue. 10, Vol. 2, pp. 177-204.

29- Najafi Sahneei, Ali, (1387), "Holy Satire", Journal of Bayyenat, Issue. 15, Vol. 1, pp. 214-174.

30- Najafi, Zeynul Abedin, (1396), "Role Creation in Islamic Lifestyle from the Perspective of Sharia", Journal of Religious Anthropology, No. 38, pp. 57-83.

31- Naseri, Naser, (1385), "Satire and its formation effects in Persian literature", Journal of Persian Literature, No. 7, pp. 114-79.

32- Nasri, Abdullah, (1385), The Basics of Anthropology in the Qur'an, n.p., Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought.

33- Nouri Tabarsi, Hussein, (n.d.), Mostadrak al-Wasail, Qom, Institute of Aal al-Bayt (AS) li-Ihya al-Turath.

34- Qommi, Ali Ibn Ibrahim, (1367), Tafsir al-Qommi, fourth edition, Qom, Dar Al-Kitab.

35- Qurashi, Seyed Ali Akbar, (1377), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Bethat Foundation.

36- Qurashi, Seyed Ali Akbar, (1386). Qamoos al-Quran, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.

37- Qutb, Seyed Ibrahim (1412AH), In the Shadows of the Qur'an, Beirut, Dar al-Shorooq.

38- Raghbi al-Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 A.H.), Al-Mufardat fi Gharib Alfaz al-Qur'an, Damascus, Dar Al-Ilm.

39- Rajabi, Mahmoud, (1390), Anthropology, Qom, Imam Khomeini (RA) Institute Publications.

40- Sabouni, Muhammad Ali, (2007), Al-Ibda' Al-Bayani fi Al-Qur'an al-Azeem, Beirut, Abna Sharif Al-Ansari Company.

41- Shoghi Nobar, Ahmad, (1371), "Humor and its Various Methods", Keyhan Andisheh, No. 42, pp. 112-126.

42- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372). Majma' al-Bayan Fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Naser Khosro Publications.

43- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1377), Tafsir al-Jawami' al-Jami', Tehran, University of Tehran and Qom Seminary Publications.

44- Tabatabai, Seyed Mohammad Hossein, (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office.